



## نگاهی بر مفهوم مدنی بالطبع بودن انسان و تأثیر آن بر روند شهرنشینی

سعیده محتشم امیری<sup>۱</sup>

۱- گروه شهرسازی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

## A look at the concept of human civic nature and its impact on the urbanization process

Saeideh Mohtasham Amiri<sup>1</sup>

1- Department of urban design, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

E-mail: s\_mohtashamamiri@yahoo.com

### چکیده

یکی از مهم ترین موضوعات مورد پژوهش در علوم مختلف مرتبط با شهر، شهرنشینی، جامعه شناسی، تاریخ و موارد مشابه، دلایل شکل گیری اولین اجتماعات بشری و روند شهرنشینی و فرایند شهرنشین شدن انسانها است. در این راستا از سوی متفکرین دلایل متعدد و متفاوتی درخصوص چرایی شکل گیری اجتماعات بشری ذکر شده است. این پژوهش که از نوع بنیادی و کیفی است و در آن از مطالعات اسنادی و کتابخانه ای بهره برده شده است سعی دارد تا دیدگاه مدنی بالطبع بودن انسان و تأثیر آن بر روند شهرنشینی را شرح دهد. مفهوم مدنی بالطبع بود از سوی فلاسفه برجسته یونانی و متفکرین، حکما و فلاسفه مسلمان مطرح شده است. در این مقاله برای توضیح اصطلاح مدنی بالطبع بودن آراء متفکرینی همچون فارابی، ابن خلدون و شهید مطهری مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می دهد که مدنی بالطبع بودن به معنای آن است که ریشه گرایش به اجتماع و تشکیل مجتمعهای زیستی در فطرت، طبیعت و نهاد آدمی وجود دارد و گرایش به اجتماع ذاتی است و نیاز درونی انسانها به یکدیگر، آنها را به سمت یکجانشینی و نهایتاً شهرنشینی سوق می دهد.

### واژه های کلیدی

شهر، شهرنشینی، مدنی بالطبع

### Abstract

One of the most important topics studied in various sciences is the reason of the formation of the first human communities and the process of urbanization. In this regard, thinkers and philosophers have mentioned so many different reasons that how the first communities were formed. This research, which is based on fundamental and qualitative type and uses documentary and library method, tries to explain the civic nature of human and its impact on the urbanization process. This concept introduced by prominent Greek philosophers and Muslim sages. This article is based on Al-Farabi, Ibn Khaldun and Shahid Motahari point of view. The results of this study show that this concept means that there is a tendency in human beings and in the nature of the people to make a community and human beings' inner need to each other leads them to Sedentary life and ultimately urbanization.

**Keywords:** urban, urbanization, civic nature



## ۱- مقدمه و بیان مسأله

بحث مدنیت انسان و چرایی شهرنشین و یکجانشین شدن انسانها از دیرباز از جمله مسائل پر بحث بوده است. اندیشمندان و فلاسفه چه در دنیای اسلام و چه قبل از اسلام همواره به دلایل شهرنشینی و گرایش انسانها به تشکیل اجتماعات بشری در آثار خود پرداخته اند. دلیل شکل گیری شهرهای اولیه هم از لحاظ کالبدی و هم از جنبه غیرکالبدی مورد توجه محققان و پژوهشگران بوده است. برای مثال در بخش فرم و کالبد ابنیه در شهرهای نخستین محققین به موارد متعددی که از جمله اهم آن، رویکرد اقلیم گرایی و نگاه فرهنگی - اجتماعی است، پرداخته اند. در رویکرد اقلیمی باور بر این است که آب و هوا اولین عامل شکل گیری فرم ابنیه در شهرهای نخستین بوده است و نحوه نگرش غالب جهت ادراک فرم و کالبد بناها از منظر اقلیمی است، اما در رویکرد فرهنگی - اجتماعی برخی نظریه پردازان بر این باور هستند که فرم و کالبد اولین فضاهای زیستی حاصل مجموعه ای از عوامل فرهنگی - اجتماعی در وسیع ترین شکل ممکن می باشد و این نیروهای اجتماعی و فرهنگی، نیروهای اولیه و دیگر نیروها، نیروهای ثانویه یا تغییردهنده هستند.

در همین راستا، جنبه های غیرکالبدی چرایی شکل گیری اجتماعات نیز همواره دغدغه محققان بوده است. در این بخش نیز نظرات متفاوت و متعددی ذکر شده است از جمله نظریات اقتصادی، مازاد تولید، انقلاب کشاورزی، جبر جغرافیایی، نظریه پخش گرایی، مباحث دفاعی و موارد متعدد دیگر.

یکی از نظریاتی که فلاسفه به آن اشاره داشته اند و مدنظر این پژوهش بوده است اصطلاح «مدنی بالطبع بودن» انسان است. یکی از نکات مهم در خصوص این نظریه، مطرح شدن این مبحث در اندیشه فلاسفه و حکمای مسلمان بوده است، به نحوی که برجسته ترین متفکران مسلمان این دیدگاه را شرح داده اند. این پژوهش به دنبال آن است که در ابتدا اهمیت این نظریه را طرح نموده و توجه و اقبال حکمای مسلمان به این نگاه را متذکر سازد. برای نیل به این مقصود از بین آراء حکما و فلاسفه مسلمان در دوران ابتدایی اسلام به نظریات فارابی؛ پدر فلسفه اسلامی؛ و همچنین به اندیشه های عبدالرحمان بن خلدون یکی از برجسته ترین متفکران دنیای اسلام که آثار قابل توجهی در خصوص روند شهرنشینی دارد و نهایتاً به یکی از متفکران برجسته معاصر؛ استاد شهید مرتضی مطهری؛ پرداخته شده و سعی می گردد تا مفهوم «مدنی بالطبع» بودن از منظر این اندیشمندان بررسی شود.

## ۲- مبانی نظری

«در اصطلاح فلاسفه اسلامی، مدنی منسوب به مدینه و کنایه از اجتماع بشری است. تمدن از دیدگاه فلاسفه همان اجتماع بشری است و سخن از مدنی بودن انسان، سخن از اجتماعی بودن انسان است.» (مظفری، ۱۳۸۱، ۹۴)

مدنی: باشنده شهر، شهری، حضری، اهل شهر، ساکن شهر، مقابل بدوی. مدنی الطبع: موجودی که به صورت اجتماعی زندگی می کند. بشر مدنی الطبع است. (دهخدا، ۱۳۸۵، ۲۶۴۹)

طبع عبارت است از سرشتی که انسان بر آن آفریده شده است یا مجموع استعدادهای خلقی و روانی است که انسان متصف بدان است. (مظفری، ۱۳۸۱، ۹۷)

طبع: طبیعت، سرشت، خلقت، فطرت، خمیره، منش و... آن چیزی که آدمی بر آن آفریده شده است. (دهخدا، ۱۳۸۵، ۱۹۳۳)



آثاری که از فلاسفه به جا مانده نشان می دهد که افلاطون و ارسطو از نخستین کسانی بوده اند که مدنی بالطبع بودن انسان را مطرح کرده اند. از فلاسفه مسلمان ابونصر فارابی شاید نخستین کسی است که این بحث را در حکومت و سیاست مطرح کرده است. ابن سینا، ابن رشد، ابن خلدون، امام فخر رازی و بسیاری از متکلمان اسلامی نیز به این موضوع اشاره کرده اند. (مظفری، ۱۳۸۱)

«اصطلاح «انسان مدنی بالطبع»، اصطلاحی کاملاً جاافتاده و رایج است. ریشه های این اصطلاح به نوشته های فلاسفه مشهور یونان باز می گردد. افلاطون در کتاب جمهور خود نیاز انسان ها به یکدیگر در تامین خوراک و پوشاک و مسکن را علت پیدایش شهر و مدینه دانسته و آن را امری روشن و بدیهی تصویر کرده است. از نظر او غایت اصلی و اولیه تشکیل شهر، غایتی اقتصادی است که اصل تقسیم کار و تخصص و همکاری جمعی برای رفع آن نیازها، از همین جا ناشی می شود. ارسطو رابطه فرد و مدینه را به صورت جزء و کل تصویر کرده و گفته است: اگرچه فرد و خانواده از دیدگاه زمانی بر شهر تقدّم دارند ولی شهر از دیدگاه طبیعی بر خانواده و فرد مقدم است. زیرا افراد چون نمی توانند به تنهایی نیازهای خویش را برآورند، ناگزیر باید به کلّ شهر بپیوندند.» (تقی زاده داوری، ۱۳۹۸، ۲)

### ۳- مدنی بالطبع بودن از منظر فارابی

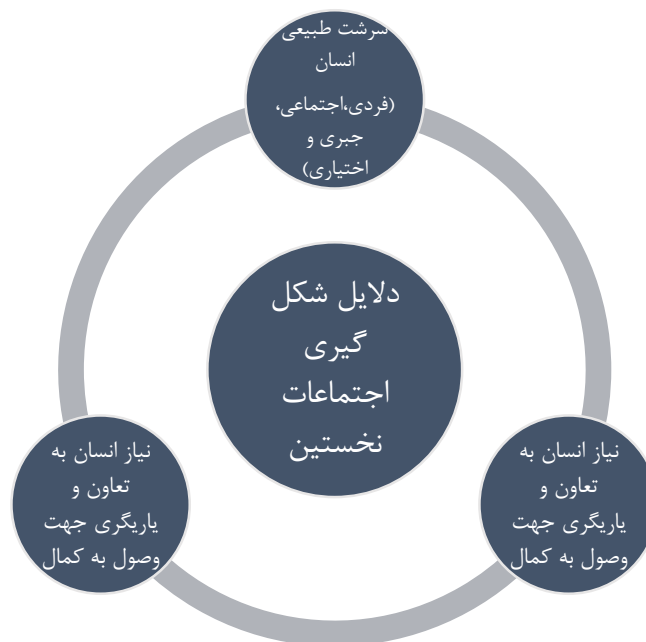
ابونصر محمد بن طرخان بن اوزلغ از مردم شهر فاراب در قرن سوم هجری است، وی را پدر فلسفه اسلامی می خوانند. وی به علت معلومات وسیعش و احاطه به علومی همچون فلسفه، منطق، ریاضیات، ستاره شناسی، موسیقی و موارد دیگر مانند ارسطو که به «معلم اول» معروف است، به «معلم ثانی» شهرت دارد. دو اثر بسیار مهم از فارابی به یادگار مانده است تحت عناوین: سیاست المدینه و آراء اهل مدینه فاضله که به طور خاص از مدینه های فاضله یاد کرده است و خصوصیات اهل آن شهرها را نیز ذکر کرده است. همچنین فارابی به طور مفصل در خصوص چرایی شکل گیری اجتماعات و شهرها سخن گفته است. فارابی هدف خلقت را دستیابی به کمال و سعادت انسان می داند و شهر و مدینه را وسیله ای می داند جهت دستیابی به سعادت و کمال حقیقی.

این حکیم برجسته مسلمان، اعتقاد به سرشت مدنی انسانها دارد. «هر یک از آدمیان بر سرشت و طبیعتی آفریده شده اند که هم در قوام وجودی خود و هم در نیل و وصول به برترین کمالات ممکن خود محتاج به اموری بسیارند که هر یک به تنهایی نتوانند متکفل انجام همه ی آن امور باشند و در انجام آن احتیاج به گروهی بود که هر یک از آنها متکفل انجام امری از مایحتاج آن بود.» (فارابی ۱۳۶۱، ۲۵۱) فارابی اشاره می کند به دلیل نیاز فطری که در درون انسانها وجود دارد، انسان ناگزیر است از تشکیل اجتماعات، (شکل ۱) همچنین تأکید دارد که انجمن های شهری و گردهم آمدن شهری نخستین جایگاه برتری گردهم آمدن هاست. فارابی مطالعه در خصوص شهرها و پدیده های شهرنشینی و در کل علم مدنی را از مهم ترین علومی می داند که باید بدان پرداخته شود.

«جاندار خردمند از گونه جاندارانی است که به دریاپستها و نیازهای خود دست نخواهد یافت، به شایستگی ها و برتری هایی که در خور آن است نخواهد رسید مگر با گردهم آمدن گروه های بسیار در یک جایگاه.» (فارابی ۱۳۸۹، ۱۴۵) بنابراین این طبیعت مدنی انسان است که موجب شکل گیری اجتماعات می شود. «مدینه از آن جهت وجود دارد که طبع آدمی آن را اقتضا می کند، فارابی تمام مثال هایی که برای شهر از تشابه با نظام عالم هستی و یا بدن انسان ذکر می کند نشانگر این مهم است که چون مدینه، نسبتی با طبع آدمی دارد، آن مراتب ذکر شده در خصوص مدائن نیز متناسب با عالم وجود و کائنات و طبع انسان است.» (داوری اردکانی ۱۳۶۲، ۶۲)



نکته‌ی دیگری که فارابی به آن اشاره می‌کند آن است که هدف از تشکیل اجتماعات نیز رسیدن به سعادت و کمال بشری است. یعنی صرف تشکیل اجتماعات و شهرها که در فطرت انسانی نهفته است، هدف غایی نیست، بلکه هدف نهایی رسیدن انسان به کمال مدنظر الهی است که برای رسیدن به آن هدف والا انسانها ناگزیز هستند که در کنار یکدیگر زیست نمایند. «او اجتماع مدنی را پدیده‌ای هدفدار بر می‌شمرد به گونه‌ای که در جهت نیل به اهداف مطلوب خود تلاش کرده و سیر می‌نماید.» (صدرا ۱۳۸۷، ۶۷)



شکل ۱. دلایل شکل گیری اجتماعات نخستین از دیدگاه فارابی، تهیه شده توسط نگارنده

«از نظر فارابی در جامعه انسانی، اصل بر تعاون است و تضاد فرع است و سعادت افراد تنها در گرو اتصال نفوس آنها و آمیختگی فکری آنهاست و هر چه حالت اجتماعی و تعاون در آنها قوی‌تر گردد، سعادت آنها بیشتر خواهد بود. زندگی اجتماعی برای افراد بشر، امری ضروری است. زیرا بشر به تنهایی و انفرادی قادر به زندگی نیست و زندگی جمعی کارش را تسهیل و هستی‌اش را غنی می‌کند.» (تیموری و حسنعلی، ۱۳۹۴)

به طور کلی فارابی هدف از زیستن را حرکت به سمت کمال نهایی می‌داند و نکته‌ای که حائز اهمیت آن است که در این راه بحث زندگی جمعی و سرنوشت جمعی مطرح است، یعنی هم سعادت فردی و هم سعادت جمعی جایگاه مهمی در اندیشه فارابی دارد، به نحوی که وی در کتاب «آراء اهل مدینه فاضله» به این مسئله مهم اشاره می‌کند که خصوصیات خلقی جمیع ساکنان یک شهر، روح و هویت آن شهر را شکل می‌دهد و این هویت در راه رسیدن به سعادت یا شقاوت بر انسان تأثیرگذار خواهد بود. از دیدگاه فارابی خیر افضل و کمال نهایی به وسیله‌ی اجتماع مدنی حاصل می‌شود. (فارابی ۱۳۶۱)

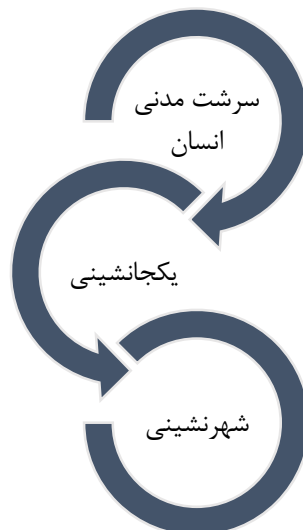


«فارابی با ارائه نظریه مدنی بالطبع بودن انسان و با به دست دادن یک دیدگاه ترکیبی هم نیازهای اساسی طبیعی و بیولوژیک انسانی را در شکل گیری زندگی اجتماعی دخیل دانسته و هم به نیازهای درونی و معنوی انسان از قبیل کمال جویی و نیل به بهترین کمالات بی توجه نیست. وی معتقد است انسان بدون جمع هرگز نخواهد توانست به کمال مطلوب خود برسد و آرمانی ترین حد تصور برای انسان و کمال او زمانی است که جامعه فاضله جهانی واحدی شکل بگیرد و بشر بتواند در پرتو آن به وحدت و یکپارچگی دست یابد.» (فخرزاد، ۱۳۹۹، ۱۵۰)

#### ۴- سرشت مدنی انسان از منظر ابن خلدون

عبدالرحمان بن خلدون، دانشمند مسلمان در اول رمضان ۷۳۲ هجری قمری (۲۷ می ۱۳۳۲ میلادی) در تونس متولد شد. ابن خلدون مورخ، پایه گذار علم جامعه‌شناسی، اقتصاددان، متخصص آمار، ریاضیدان، منجم، فیلسوف، عالم علوم اسلامی (قرآن، حدیث و...) و همانند فارابی جامع العلوم بوده و دایره‌ی علوم وی بسیار گسترده بوده تا آنجا که وی از جمله نوابع اندیشمندان مسلمان محسوب می شود. وی در کتاب «المقدمه» مباحث مهمی را در خصوص شهر، شهرنشینان، اخلاق شهروندی و شکل گیری شهرها مطرح کرده است.

از دیدگاه ابن خلدون انسان به دلیل خصوصیات ذاتی و سرشتی و طبیعت درونی خویش که سرشتی مدنی است می‌باید که اجتماعی شکل دهد و در اصطلاح وی، از زندگی بادیه‌نشین (عمران بدوی) به زندگی شهرنشینی (عمران حضری) روی آورد. از دیدگاه ابن خلدون سرشت انسان به گونه‌ای است که همواره تمایلش حرکت به سوی زندگی شهرنشینی است و یا به عبارتی شهرنشین شدن غایت زندگی بادیه‌نشینان است. (شکل ۲)



شکل ۲. سرشت انسان مدنی است و ناگزیر است از تشکیل اجتماعات، تهیه شده توسط نگارنده

«اجتماع نوع انسان ضروری است، چرا که سرشت انسان مدنی است و ناگزیر است که اجتماعی تشکیل دهد که حکیمان در اصطلاح این را مدنیت و شهرنشینی گویند و معنی عمران همین است.» (ابن خلدون ۱۳۸۸، ۷۵-۸۰)



ابن خلدون تبدیل بادیه نشینی به شهرنشینی را تحول درونی جامعه می داند. عمران از ریشه‌ی (عَمَرَ) به معنای ساکن بودن در جایی، معاشرت کردن با کسی، مترقی شدن، کشاورزی کردن بوده و عبارت است از کلیه‌ی پیشرفت‌هایی که در شهر در زمینه‌های علمی، صنعتی، اقتصادی و هنری نصیب انسان می‌گردد. خَضَرَت از ریشه‌ی (حَضَرَ) است که ابن خلدون از آن به خوی و اخلاق و آداب شهریان در آمدن و تیپ زندگی شهری را پذیرفتن و تجمل‌گرایی تعبیر می‌کند. (علیمردانی، ۱۳۸۵)

«ابن خلدون در کتاب مقدمه خود، در توضیح مدنی بالطبع بودن بشر، علاوه بر تأکید بر تأمین نیازهای زیستی، حیاتی و جسمانی، به مسئله‌ی تأمین امنیت از طریق زندگی جمعی نیز اشاره کرده است.» (تقی زاده داوری، ۱۳۹۸، ۵) بنابراین ابن خلدون که تجربه‌ی کم نظیری در خصوص مطالعه‌ی دقیق و عمیق علل شهرنشینی و چرایی تبدیل زندگی بادیه نشینی به شهرنشینی دارد، معتقد است که در فطرت انسانها تمایل به زندگی جمعی نگاشته شده است و این طبیعت فطری انسان، در هر شرایطی آدمیان را به سوی زندگی شهری سوق خواهد داد.

«شهرنشینی هدفی برای بادیه‌نشینی است که بادیه‌نشینان به سوی آن در حرکت‌اند و با کوشش و تلاش سرانجام به مطلوب خود نائل می‌آیند و هنگامی که به فراخی معیشت و توانگری می‌رسند از این راه به عادت و رسوم تجمل‌خواهی و ناز و نعمت رو می‌آورند و آن وقت به آرامش و استقرار زندگی متمایل شده و به قیود شهرنشینی تن در می‌دهند.» (ابن خلدون ۱۳۸۸، ۲۳۰) دیدگاه ابن خلدون بر این است که شهرنشینی نوعی هدف و غایت برای انسان است، به طوری که اگر در زندگی بادیه نشینی باشد حتماً تمایل دارد که به سمت رفاه بیشتر و توانگری بیشتر، تجمل بیشتر و زندگی شهری روی آورد و به نوعی شوق شهرنشین شدن در طبیعت آدمی سرشته شده است و در نهایت شهرنشین شدن موجب می‌گردد تا در امور ضروری روستاییان و بادیه نشینان به شهرنشینان نیازمند گردند. «ممکن نیست بشر به زندگانی و موجودیت خویش ادامه دهد، جز در پرتو اجتماع و تعاون برای به دست آوردن روزی و دیگر ضروریات خویش.» (ابن خلدون ۱۳۸۸، ۳۵۹)

## ۵- مدنی بالطبع بودن از دیدگاه شهید مطهری

استاد شهید مرتضی مطهری در ۱۳ بهمن ۱۲۹۸ هجری شمسی در شهرستان فریمان در نزدیکی شهر مقدس مشهد چشم به جهان گشود. وی از متفکرین برجسته شیعه در دوران معاصر به شمار می‌رود و از محضر اساتیدی چون علامه طباطبائی و امام خمینی بهره برده است. شهید مطهری آثاری متعدد در کلام و فلسفه اسلامی نوشته است. به‌روزسازی و تبیین آموزه‌های اسلام و تشیع، از ویژگی‌های فعالیت‌های فکری ایشان است. استاد مطهری نیز در آثار خود به بحث زندگی اجتماعی انسان و مدنی بالطبع بودن اشاره کرده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

«حکما از زمانهای بسیار قدیم گفته‌اند انسان مدنی بالطبع است، یعنی انسان طبیعتاً اجتماعی است. بعدها حکمای دیگر آمده‌اند و این جمله را شکافته‌اند که مقصود از اینکه انسان طبیعتاً و ذاتاً اجتماعی است چیست؟ اگر مقصود این است که انسان این فرق را با نباتات و حیوانات- البته بعضی حیوانات- دارد که استعدادهایی که در انسان هست و کمالاتی که برای انسان مترقب است جز در پرتو زندگی اجتماعی میسر نمی‌شود و احتیاجات زندگی انسان جز با تمدن رفع شدنی نیست، البته مطلب درست است. اما اگر مقصود این است که زندگی اجتماعی امری است غریزی و طبیعی و قهری و بیرون از دایره انتخاب و اختیار، همان طوری که بعضی حیوانات از قبیل زنبور عسل و مورپانه و مورچه این طور هستند و به حسب غریزه طوری ساخته شده‌اند که قهراً و به طور خودکار با هم زندگی می‌کنند و افراد مختلف آنها به طوری مقهور و



مسخر زندگی اجتماعی و انجام وظیفه ی مخصوص به خود هستند که عضو نسبت به روح پیکر مسخر و مقهور است؛ اگر مقصود از اینکه انسان مدنیّ بالطبع است این است، این درست نیست، زندگی اجتماعی انسان این گونه نیست. پس اگر مقصود این است که انسان بدون اجتماع و به صورت افراد قادر به ادامه ی زندگی نیست، بعلاوه در انسان نیازها و استعدادها نهفته است که جز در پرتو زندگی اجتماعی به ظهور و فعلیت نمی رسد و این استعدادها و نیازها در متن خلقت انسان نهاده شده و همینها انسان را به سوی زندگی اجتماعی می راند و می خواند، البته مطلب درستی است، ولی این جهت با استقلال نسبی عقل و اراده ی فرد و انتخابی بودن آن منافات ندارد. پس می توانیم بگوییم زندگی اجتماعی انسان قراردادی و انتخابی است؛ انسان زندگی اجتماعی را برای خود به حکم عقل و اراده انتخاب و اختیار کرده است.» (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۵، ۲۴۶ و ۲۴۷)

وی معتقد است با توجه به آیات ۱۳ و ۴۹ سوره حجرات و ۲۵ و ۵۴ سوره فرقان و ۳۲ و ۴۳ سوره زخرف، استنباط می شود که اجتماعی بودن انسان در متن آفرینش او پی ریزی شده است و اختلاف و وجه افتراق انسانها برای نیازمندی آنها به یکدیگر قرار داده شده تا زمینه ی زندگی به هم پیوسته اجتماعی که امری طبیعی است فراهم آید. (فخرزراع، ۱۳۹۹، ۱۵۵)

## ۶- نتیجه گیری

درخصوص اولین تجربه شهرنشینی و دلایل شکل گیری اولین شهرها نظریات و دیدگاههای متفاوت و متنوعی وجود دارد که در متن مقاله به طور خلاصه به آن اشاره شد. یکی از رویکردهایی که در این زمینه مطرح است و بسیاری از فلاسفه بالاخص فلاسفه مسلمان به آن اشاره داشته اند، اصطلاح «مدنی بالطبع» بودن انسان و در نتیجه گرایش به تشکیل اجتماعات و زندگی شهری است، بدین صورت چرایی شکل گیری اولین اجتماعات بشری تبیین می شود، یعنی گرایش به زندگی اجتماعی یک گرایش فطری و درونی است و در طبیعت آدمی سرشته شده است و برای انسان گریزی نیست از تشکیل اجتماعات. در این پژوهش نگاهی به آراء سه متفکر مسلمان و اشاره به دیدگاه این متفکرین درخصوص طبیعت مدنی انسانها شده است. حکیم ابونصر فارابی؛ پدر فلسفه اسلامی؛ عبدالرحمان بن خلدون؛ پدر علم جامعه شناسی و استاد شهید مرتضی مطهری؛ از برجسته ترین متفکرین دوران معاصر ایران. فارابی اشاره دارد هر یک از انسانها بر سرشت و طبیعتی آفریده شده اند که هم در قوام وجودی خود و هم در نیل و وصول به برترین کمالات ممکن خود محتاج به اموری بسیارند که هر یک به تنهایی نتوانند متکفل انجام همه ی آن امور باشند و در انجام آن احتیاج به گروهی دارند که هر یک از آنها متکفل انجام امری از مایحتاج آن هستند. ابن خلدون نیز بیان می دارد اجتماع نوع انسان ضروری است، چرا که سرشت انسان مدنی است و ناگزیر است که اجتماعی تشکیل دهد که حکیمان در اصطلاح این را مدنیت و شهرنشینی گویند و معنی عمران همین است.



## مراجع

- ابن خلدون، ع. (۱۳۸۸) مقدمه ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی. (چاپ دوازدهم)، انتشارات علمی و فرهنگی.
- تقی زاده داوری، م. (۱۳۹۸) "بررسی آراء علامه طباطبائی در زمینه زیست اجتماعی انسان؛ همخوانی یا ناهمخوانی؟"، نشریه فصلنامه علوم اجتماعی، سال ۲۶، شماره ۸۷.
- تیموری، ج. حسنعلی، م. (۱۳۹۴) "بررسی اندیشه‌های اجتماعی فارابی"، کنفرانس بین المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، آبان، تهران، ایران.
- داوری اردکانی، ر. (۱۳۶۲) فارابی مؤسس فلسفه‌ی اسلامی. (چاپ سوم)، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- دهخدا، ع. (۱۳۸۵) لغت‌نامه فرهنگ متوسط دهخدا. (جلد دوم)، انتشارات دانشگاه تهران
- صدرا، ع. (۱۳۸۷) علم مدنی فارابی، انتشارات سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- علیمردانی، م. (۱۳۸۳) ابن خلدون و اخلاق شهرنشینی. "فصلنامه کتاب نقد"، شماره ۳۰.
- فخرزراع، س.ج. (۱۳۹۹) "فلسفه اجتماعی در قرآن"، نشریه راهبرد فرهنگ، شماره ۵۰.
- مطهری، م. (۱۳۸۹) مجموعه آثار، نشر صدرا.
- مظفری، س.م. (۱۳۸۱) "مدنیت بالطبع انسان از چشم‌انداز فلاسفه"، نشریه آموزه‌های فلسفه اسلامی، سال ۲، شماره ۱.